

۷ مزیت بیمه عمر نسبت به بورس

راحله شعبانی - فرض را بر این می‌گذاریم که شما بیمه سلامت دارید و جوان هستید و هیچ مشکلی هم ندارید. در این صورت نیازی به انتخاب پوشش‌های فوت، بیماری و امراض خاص ندارید البته همیشه استثنای وجود دارد و بستگی به خودتان دارد که چه پوششی را انتخاب کنید. اگر با این طرز فکر سمت بیمه عمر رفته‌اید که کل مبلغ پرداختی تان در بیمه عمر سرمایه‌گذاری می‌شود و بعد از مثلاً ۳۰ سال فلان میلیون مبلغ به شما تعلق می‌گیرد پیشنهاد می‌کنم که فکر انتخاب بیمه عمر را از سر تان خارج کنید. به دلیل این که بیمه عمر با تحت پوشش قراردادن شما مبلغی از سرمایه شما را طی زمان قراردادن بابت پوشش‌های بیمه‌ای و هزینه‌ای که روی دوش شرکت بیمه گذار می‌گذارد کسر خواهد کرد که اگر مجموع مبلغ آن را بدانید مطمئن‌آور بیمه عمر را خط خواهید کشید و برای شما به صرفه نخواهد بود. بیمه عمر جدا از بحث سرمایه‌گذاری، بیشتر روی گذران زندگی اطرافیان وابسته به شما پس از فوت تان تمرکز دارد و این

که فکر کنید هر مبلغی بپردازید دقیقاً چند برابرش را می‌گیرید، اشتباه است. و اما بورس؛ بورس هم انتخاب‌های زیادی پیش روی شما می‌گذارد. از معاملات آنلاین و لحظه‌ای در بازارهای مختلف گرفته تا سرمایه‌گذاری در صندوق‌های سرمایه‌گذاری با درآمد ثابت که می‌توانید استفاده کنید. سرمایه‌گذاری در بورس مستلزم داشتن وقت و دانش بورسی تقریباً زیادی است که کار هر فردی نیست. اگر فکر سرمایه‌گذاری در بورس را در ذهن تان می‌پرورانید باید بدانید که برای فعالیت در بورس جدا از داشتن پول باید برای یادگیری انواع تحلیل‌ها و الگوهای آماری به صورت روزانه انرژی و زمان زیادی صرف کنید تا بتوانید از بورس حداکثر بهره‌وری را داشته باشید. اگر کارشناس خبره بازار هستید و سواد بازرگانی دارید، سود در بورس برای شما بیشتر است ولی سود تضمین شده‌ای نیست و ممکن است با مخاطرات زیادی همراه باشد.

تفاوت‌های حضور در بازار بورس یا داشتن بیمه عمر را می‌توان به صورت زیر طبقه‌بندی کرد:

■ در بازار بورس هیچ وقت سرمایه شما تضمین شده نیست، ولی در بیمه عمر، سرمایه شما تضمین شده است.

■ در بازار بورس هنگام ورشکستگی شرکتی، سرمایه شما از طرف سازمان دولتی تضمین نمی‌شود، ولی در بیمه عمر در صورت ورشکستگی شرکت‌های بیمه، سرمایه شما از طرف بیمه مرکزی که یک سازمان دولتی است، تضمین می‌شود.

■ در بازار بورس سود سرمایه شما تضمین شده نیست، ولی در بیمه عمر سود سرمایه شما از همان روز اول مشخص و تضمین شده بوده و همچنین دارای سود مشارکت و سود مرکب است.

■ در بازار بورس اگر برای فرد سرمایه‌گذار حادثه‌ای رخ دهد و منجر به فوت شود قوانینی همانند قوانین بانک اعمال می‌شود. یعنی بعد از انحصار وراثت و ... بقیه مبلغ به بازمانده پرداخت می‌شود. ولی در بیمه عمر نه تنها چندین برابر سرمایه بیمه‌گذار

بلکه سود تضمین و سود مشارکت و سود مرکب به افراد نام‌برده از طرف سرمایه‌گذار یا افراد قیم داده می‌شود.

■ در بیمه عمر اگر فرد مبتلا به سرطان یا یکی از تعهدات پوشش‌های بیمه عمر شود شرکت به تعهدات بیمه عمل و هزینه‌های مربوطه را پرداخت می‌کند. ولی بازار بورس فاقد هر گونه پوشش و خدمات جانبی است.

■ در بازار بورس باید روزانه در تالار یا پشت رایانه حضور داشته باشید تا سود بیشتری ببرید. ولی در بیمه عمر نیازی به حضور شما نیست و شرکت از طرف شما در بازار بورس سرمایه‌گذاری کرده و در صورتی که از خرید سهامی سود نکرده باشد سود سرمایه شما را به صورت تضمین شده به حساب تان اعمال می‌کند و اگر در خرید سهامی سود کند شما را در سود خرید سهام شریک قرار می‌دهد.

■ در بازار بورس هیچ گونه تسهیلاتی داده نمی‌شود ولی در بیمه عمر بعد از گذشت دو سال تسهیلات داده می‌شود.

ماندن در بازار سرمایه در این روزهای پر تلاطم با چه فرمولی شدنی است؟

سهامداری در روزهای «بی‌قراری و دو قطبی»



طی همین هفته‌ای که گذشت، کم نبود روزهایی که سهم‌هایی از صف خرید به صف فروش رفتند و برعکس! حداقل در دو روز یکشنبه و سه‌شنبه که حجم معاملات هم بسیار بالا رفت شاهد این ماجرا بودیم. این یعنی اوج هیجان و بی‌قراری پول در نمادها. و البته یعنی اوج ریسک! همزمان یک پدیده دیگر هم در بازار قابل رصد است و آن دو قطبی شدن بازار است. گویا سهام در محدوده تعادلی آرام ندارد و باید یا صف خرید شود یا صف فروش. به نحوی که حتی در بسیاری از روزها می‌بینیم که نیمی از سهم‌های یک گروه صف خریدند و نیمی دیگر صف فروش! به طور مشخص در گروه سیمان و دارو سرمایه‌گذاری این روند قابل مشاهده بود. در این شرایط باز هم می‌توان سهامداری کرد؟ با چه فرمولی؟ در ادامه ضمن ارائه توضیحاتی به مرور عملکرد هلدینگ‌هایی می‌پردازیم که هفته قبل معرفی شدند.

جواد غیاثی
تحلیل‌گر بورس

قبلاً می‌گفتیم سهم‌هایی را که پشتوانه بنیادین دارند، بخیرید و سهامداری کنید اما اکنون می‌گوییم سهم‌هایی که دلیل و بهانه‌ای ندارند! چرا؟ چون شرایط بازار تغییر کرده است و سهم‌ارزنده بنیادین خیلی زیاد نیست. اما دلایل دیگر و بهانه‌ها همچنان هست؛ از قرار گرفتن سهمی در سبد صندوق دولتی تا افزایش سرمایه یا عرضه اولیه زیرمجموعه‌ها و البته مورد اقبال بازار قرار گرفتن

سببی از سهم‌هایی که بهانه دارند

«به سیگنال‌های فردی اعتماد نکنید و صرفاً سهامی را بخیرید که خودتان دلایلی موجه برای رشد آن در افق زمانی مشخص دارید.» این یک اصل مهم و همیشگی سرمایه‌گذاری است که البته این روزها ضروری تر است. چرا که در شرایط نوسانات زیاد، اگر ندارید چرا سهمی را خریده‌اید، ممکن است خیلی زود در دامنه منفی دست به فروش بزنید و بعد در دامنه مثبت در صف خرید بنشینید! و این یعنی ضرر. اما اگر بعد از بررسی، دلایل و بهانه‌هایی دارید که یک سهم حمایت خواهد شد و رشد می‌کند به تحلیل خودتان (با رعایت حد ضرر خودتان) پایبند بمانید.

داخل پرتنزه این موضوع هم توجه کنید که قبلاً می‌گفتیم سهم‌هایی را که پشتوانه بنیادین دارند، بخیرید و سهامداری کنید اما اکنون می‌گوییم سهم‌هایی که دلیل و بهانه‌ای ندارند! چرا؟ چون شرایط بازار تغییر کرده است و سهم‌ارزنده بنیادین خیلی زیاد نیست. اما دلایل دیگر و بهانه‌ها همچنان هست؛ از قرار گرفتن سهمی در سبد صندوق

دولتی تا افزایش سرمایه یا عرضه اولیه زیرمجموعه‌ها و البته مورد اقبال بازار قرار گرفتن. در ادامه مثال می‌زنیم.

دلایل و بهانه‌های رشد برای قطب صعودی بازار

مثلاً خودروسازان بزرگ این روزها به شدت مورد اقبال بازارند. دلایل و بهانه‌ها از نظر بنیادین خیلی قوی نیستند اما چیزهایی هست! افزایش قیمت خودرو در بازار و احتمال افزایش قیمت چندباره خودروسازان یک دلیل است. پیش فروش یک ساله محصولات بدون سود مشارکت (که احتمالاً از هزینه‌های مالی خودروسازان به شدت می‌کاهد) نیز دلیل دیگر است. اما همه این‌ها این گروه از نظر بنیادین اصلاً قابل توصیه نیست. خودروسازان ضررده حتی با خبرهای خوب بالا هم نمی‌توانند قیمت‌های فعلی را توجیه کنند. اما اکنون مورد اقبال بازار و نقدینگی هستند و این دلیل مهم‌تری است! بعد از افزایش سرمایه عدد اسمی قیمت سهام آن‌ها هم پایین است و این هم یک دلیل ناموجه دیگر. با این

حال قدرت نقدینگی ایران خودرو و سایپا آن قدر زیاد بوده که طی دو ماه اخیر بعد از بازگشایی، هرگز دچار اصلاح مداوم نشده‌اند و رشد خیره‌کننده‌ای داشته‌اند. بنابراین خودروسازها هنوز هم می‌توانند گزینه سرمایه‌گذاری باشند. البته تا زمانی که تب نقدینگی در بازار و گروه باشد. البته صف میلیاردری آن‌ها فرصت خرید راحتی به شما نمی‌دهد اما طی همین دو ماه اخیر بارها در بزنگاه‌ها فرصت خرید داده‌اند. مثلاً ایران خودرو که الان ۵۳۰ تومان است در ۱۳۰ تومان، ۲۳۰ تومان و ۳۸۰ تومان تا صف فروش هم رفت اما خیلی سریع برگشت.

از سبد دولتی تا هلدینگ‌ها و عرضه زیرمجموعه‌ها

اگر خواستید سهم دیگری هم به سبدتان اضافه کنید، سهم‌های حاضر در سبدهای دولتی گزینه بدی نیستند. سهم‌هایی مثل ایران خودرو، سایپا، ملی مس، فولاد و پالایشی‌ها. سهم‌های فلزی البته رشد خوبی داشته‌اند اما علاوه بر مورد اقبال قرار گرفتن و حضور در صندوق بعدی دولتی، از

مزیت رشد نرخ ارز و قیمت‌های جهانی و رشد نرخ محصولات در بازار هم استفاده می‌کنند. این سهم‌ها قطعاً از نظر بنیادین وضعیت بهتری نسبت به خودروسازان و حتی پالایشی‌ها دارند اما پرنوسان‌تر هم بوده‌اند. همه این‌ها برای میان‌مدت باز هم می‌توانند بازدهی مثبت بدهند مشروط به این که بازار دچار ریزش سراسری و غلبه فروش نشود. هلدینگ‌هایی که عرضه اولیه دارند نیز گزینه‌های بعدی هستند. شستا و تاپیکو و شاهد مثل قبل با قدرت رشد کردند و صباتامین که پیشتر رشد ضعیفی داشت به این قافله پیوست.

چه کنیم با بازار دو قطبی؟

حرف آخر این که این روزها بازار برای ریزش بهانه نمی‌خواهد اما برای رشد بهانه قوی می‌خواهد. اگر می‌خواهید در بورس بمانید دنبال سهم‌هایی باشید که اولاً دلایل و بهانه‌هایی قوی برای رشد دارند. ثانیاً خودتان صریحاً به آن دلایل واقف‌اید. علاوه بر آن نقد نگه داشتن بخشی از دارایی‌های شما گزینه بدی نیست.